



پارسامهر، مهربان؛ خرمپور، یاسین و کرای، حسام (۱۳۹۹). بررسی نقش فردگرایی در عرفی شدن ساختار و ذهنیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۵)، ۳۱-۵۹.

بررسی نقش فردگرایی در عرفی شدن ساختار و ذهنیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد

مهربان پارسامهر^۱، یاسین خرمپور^۲ و حسام کرای^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

عرفی شدن در دنیای جدید همه جوامع را درنور دیده است و به این معناست که دین در تحولات و ارزش های جوامع نقش کم رنگی دارد. در این بین عوامل متعددی در شدت این پدیده نقش دارند که یکی از آنها فردگرایی دوران مدرن است. این تحقیق با روش پیمایش به دنبال بررسی رابطه تجربی بین فردگرایی و عرفی شدن دانشجویان دانشگاه یزد بود. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) دانشگاه یزد در سال ۱۳۹۸ بود که با روش طبقه ای ساده ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین از ابزار پرسشنامه برای سنجش متغیرها استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین جنسیت و عرفی شدن (عینی و ذهنی) رابطه ای وجود نداشت ولی بین وضعیت تاهل و عرفی شدن عینی و شاخص کلی عرفی شدن رابطه وجود داشت. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و عرفی شدن رابطه معنی دار و مثبت وجود داشت. بین فردگرایی عمودی با عرفی شدن ذهنی، عینی و شاخص کلی فردگرایی رابطه وجود داشت ولی فردگرایی افقی تنها با بعد عرفی شدن عینی رابطه داشت. نتایج رگرسیون نشان داد که فردگرایی عمودی و استفاده از رسانه بیش از ۱۶ درصد از واریانس متغیر عرفی شدن را تبیین کرد.

کلیدواژه‌ها: عرفی شدن ذهنی؛ عرفی شدن عینی؛ فردگرایی افقی؛ فردگرایی عمودی؛ دانشجویان.

۱- دانشیار جامعه شناسی دانشگاه یزد، parsamehr@yazd.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)،

khorampouryasin@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه شناسی توسعه اقتصادی دانشگاه یزد، he.koraei@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

عرفی شدن و فردگرایی هر دو از مولفه‌های اساسی در دنیای مدرن می‌باشند به صورتی که شاید بتوان گفت این دو مفهوم از اصطلاحات قرن ۱۹ می‌باشند. با فرآیند جهانی شدن و گسترش شبکه‌های اجتماعی و همچنین سایر عناصر نوسازی، تغییرات اساسی در سبک زندگی و نگرش‌های افراد به وجود آمد به صورتی که این تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها به نظر در برخی موارد با هویت سنتی و اجتماعی جامعه ایران در تناقض قرار دارد.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران ایران جامعه‌ای در حال گذر از دوران سنت به دوران به مدرنیته می‌باشد که برخی از عناصر دوران پست مدرن را نیز در خود هضم کرده است. در نتیجه ورود جامعه به دوران مدرن و پست مدرن و فروپاشی ساختارهای سنتی و همچنین گسترش شهرنشینی که ناشی از رشد سریع جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها بوده، ما شاهد گسترش تحولات اجتماعی و تعاملات بین فرهنگ‌ها و اقوام متفاوت هستیم که به قول زیمل نوعی تغییرات ذهنی را نیز تجربه می‌کنیم و این دگرگونی‌های عینی و ذهنی جوانان را در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار داده و به دنبال آن در ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی افراد تغییراتی به وجود آمده که یکی از آنها تحقق فردگرایی دوران مدرن می‌باشد (فاضلی، ۱۳۸۳: ۳۴). فردگرایی از ویژگی جامعه در حال گذر از سنت به مدرنیته می‌باشد (ریسمن^۱، ۱۹۵۶). عدم هم‌نوایی با ارزش‌های جمعی از مولفه‌های اساسی جامعه فردگرای مدرن می‌باشد که موجب می‌شود فرد در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی بر بازنندیشی خود و جهان اطراف تأکید کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳). می‌توان بدین صورت بیان کرد که فرد در دوران مدرن کاری را انجام می‌دهد که می‌خواهد و می‌تواند چیزی بشوند که می‌خواهد بشود، که این امر موجب فردی شدن زندگی اجتماعی انسان می‌شود یعنی انسان‌های دوران مدرن صرفاً بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش و انتخاب می‌زنند و دائماً به دنبال اهداف فردی خود هستند (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). دنیل لرنر بر شهرنشینی به عنوان یکی از عناصر اصلی که فردگرایی را در جوامع جدید تقویت می‌کنند تأکید می‌کند و اعتقاد دارد که شهرنشینی مدرن باعث شده تحرک روانی افراد بیشتر شود و در نتیجه آن احساس فردگرایی در افراد بیشتر شود (ازکیا، ۱۳۸۴: ۵۴).

در جوامعی که فردگرایی بر کنش‌های افراد حاکم بوده من‌هدایت‌کننده رفتار آنها می‌باشد (سیوداس و همکاران^۲، ۲۰۰۸: ۲۰۱). در صورتی که می‌توان گفت نظم اجتماعی زمانی تحقق

1- Riesman

2- Sivadas et al

می یابد که احساس عاطفه و تعهد به اهداف جمعی بیشتر شود و وابستگی عاطفی فرد به جمع و اجتماع افزوده شود، ولی پدیده ای مانند فردگرایی هم منجر به بی تفاوتی اجتماعی و هم نوعی احساس بدبینی نسبت به ارزش های جمعی را در پی دارد (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲). آمارها نیز نشان می دهند که فردگرایی در جامعه مدرن ایران در حال افزایش است. در تحقیق هافستد که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است، رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی کمی بیش از متوسط نشان می دهد (اعظم آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ به نقل از هافستد، ۱۹۹۴). از آنجایی که جامعه ما یک جامعه در حال گذر و در حال تغییر از جامعه سنتی می باشد الگوهای استناد در جامعه ما نیز، که در ابتدا الگوهای محلی و بومی بودند و اساس رفتارها را تشکیل می دادند، در ترکیب خود با الگوهای جدید، دچار دگرگونی شده اند (فکوهی، ۱۳۸۱).

البته فردگرایی به عنوان یکی از مولفه های اساسی دنیای مدرن نمی تواند صرفاً منفی باشد بلکه فردگرایی به انسان ها قدرت استقلال، اعتماد به نفس و خودکارآمدی داده است علاوه بر این در نوع فردگرایی خودمحوری و جاه طلبی و همچنین عدم توجه به منافع جمعی نیز نهفته است که جامعه شناسان این دو نوع فردگرایی را افقی و عمودی تعریف کردند. فردگرایی انسان های مدرن باعث شده که هر پدیده ای را با دید انتقادی و یا به عنوان یک امر شخصی در نظر بگیرند یکی از این پدیده ها که افراد دیگر از آن به عنوان یک پدیده عام و فراگیر با آن مواجهه نمی شوند، دین می باشد. دین در دنیای سنت تمام جهان بینی و هستی انسان و جهان را تفسیر می کرد و افراد تفاسیر دینی را به عنوان گزاره های مقدس بدون دلیل و برهان می پذیرفتند ولی در دو قرن اخیر این گزاره ها مورد چالش قرار گرفت. جامعه ایران نیز تحت تأثیر تحولات فزاینده و پرشتاب فناوری های نوین و جهانی شدن قرار گرفته و تغییرات اساسی را در جهان بینی افراد به وجود آورده است یکی از این تغییرات ناشی از فرآیند فردگرایی و مدرنیته، عرفی شدن می باشد.

جامعه شناسان تعارف متفاوت و گوناگونی از عرفی شدن بیان کردند که همه آنها بر تقدس زدایی از واقعیات و زندگی روزمره تاکید دارند و اعتقاد دارند دین دیگر در جوامع جدید نمی تواند یک هستی کلی و جهان شمول باشد که جهان بینی افراد را تعیین کند بیرو اعتقاد دارد عرفی شدن فرآیندی است که بر طبق آن واقعیاتی که در قلمرو دینی، جادویی و مقدس جای داشتند، به محدوده امور غیرمقدس و طبیعی منتقل می شوند. در زمینه حیات اجتماعی، غیر دینی ساختن، با تقدس زدایی از جهان و مقام انسان در جهان همراه است و مظاهر عقلانی، علمی و فنی جانشین مظاهر دینی و تبیین جهان می شود (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۳۴). ویلسون عرفی شدن را

فرایندی در نظر می‌گیرد که در آن وجدان جمعی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و در نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود (ویلسون، ۱۳۷۴: ۱۲۹). به طور کلی عرفی شدن را می‌توان با ۱- کاهش نفوذ سمبل‌ها و اشکال دین سنتی ۲- سازگاری با جهان ۳- جدایی جامعه از دین ۴- جابه‌جایی و تغییر عقاید و نهادهای مذهبی ۵- تقدس زدایی دنیا ۶- حرکت از جامعه مقدس به جامعه سکولار تعریف کرد (همیلتون، ۱۳۷۷).

کارل دابلر عرفی شدن را در سه عرصه دینی، فردی و اجتماعی بررسی می‌کند که در هر سطح معنای خاص خود را دارد. به زعم او، در سطح دنیا، عرفی شدن عبارت است از تغییر و تحول درون دینی که به هر چه دنیوی‌تر شدن دین می‌انجامد. در سطح فردی عبارت است از کاهش در تضمن و التزام دینی فرد، و در سطح اجتماعی عبارت است از لائیک شدن در سطح کلان اجتماعی که موجب تفکیک و تمایز ساختاری و عملکردهای نهادها می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

همچنین برخی دیگر اعتقاد دارند که عرفی شدن به دو دسته تقسیم می‌شود ۱- عرفی شدن سیاسی: یعنی اینکه نهاد دین را از نهاد حکومت جدا کنیم ۲- عرفی شدن فلسفی: یعنی اینکه دین باید از همه سپهرهای اجتماع از اقتصاد گرفته تا فرهنگ و سیاست خارج شود. در همین نوع عرفی شدن، ذهنیت افراد نیز نسبت به مسائل دینی و فراطبیعی مخدوش می‌شود و فرد اعتقاد ذهنی نسبت به بسیاری از مفاهیم دینی را از دست می‌دهد (سروش: ۱۳۸۲). عرفی شدن نه پدیده‌ای حتمی است و نه کاملاً منتفی؛ بلکه فرآیندی محتمل برای همه ادیان، همه افراد و جوامع است. برخی اندیشمندان معتقدند عرفی شدن در درجه نخست متأثر از کارآمدی یا عدم کارآمدی کلی یا بخشی از نظام‌های ایدئولوژیک حاکم بر جوامع است که دعوی بس بزرگ را مطرح می‌کند و ثانیاً تابع الگوی توسعه‌ای است که برای مدیریت جوامع برگزیده می‌گردد (شجاعی زند، ۱۳۸۵: ۹۰). لذا به نظر می‌رسد با توجه به فرآیند جهانی شدن و اجتناب ناپذیر بودن آن همه کشورها تا حدودی فرایند عرفی شدن را در قسمت‌های مختلف خود هضم می‌کنند و با گسترش نفوذ عرفی شدن نقش دین نیز کمرنگ‌تر می‌شود. بر طبق نظر برگر عرفی شدن هم در سطح کلان و ساختارها اتفاق می‌افتد و هم در خرد و ذهنی که می‌توان آنها را عرفی شدن ساختاری و عرفی شدن ذهنی یا فردی نامید.

جامعه ایران نیز از روند دگرگونی‌های ارزشی و فرهنگی در امان نبوده است و تغییراتی در سطح دینداری افراد به وجود آمد. به طور کلی بسیاری از تحقیقاتی که در زمینه سنجش و بررسی وضعیت دینداری افراد در ایران صورت گرفته بیان می‌نمایند که دینداری ذهنی و فردی

ایران ایرانیان در سطح بالایی است به ویژه در ابعاد اعتقادی و باورهای نظیر اعتقاد به خدا، نبوت، معاد و همچنین تجارب عاطفی دینی (آزادارمکی و زارع، ۱۳۸۴؛ کاظمی و فرجی: ۱۳۸۸). در بعد مناسکی و انجام اعمال مذهبی میانگین دینداری کاهش می یابد و همچنین در بعد مناسک جمعی به پایین ترین حد خود می رسد (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۶). این تحقیقات خود موید نفوذ عرفی شدن در برخی از لایه ها و سطوح اجتماعی و ذهنی مردم ایران است.

با توجه به مطالب ذکر شده باید بیان داشت که دین در جامعه ایران در طول تاریخ نقش مهمی در ساختاری اجتماعی و ذهنی ایفا می کرد ولی با توجه به روند عرفی شدن که در آن دین نزد افراد تنزل پیدا می کند و فرد صرفاً برداشت های دنیوی از تعالیم دینی دارد به نظر می رسد تحقیقی در زمینه وضعیت عرفی شدن ضرورت دارد. همچنین از اقلاری که نسبت به دین و مولفه های آن نگاه انتقادی دارد قشر دانشجو و دانشگاه می باشد، و بسیاری بر این نظر واقف اند که تحصیلات احتمال عرفی شدن نگاه و جهان بینی دانشجویان را افزایش می دهد (نایی و آزادارمکی، ۱۳۸۵) علاوه بر این از آنجا که این قشر بیشتر تحت تأثیر و نفوذ مولفه ها و عناصر جهانی شدن که بستر عرفی شدن را مهیا می کند قرار دارند، لذا به نظر می رسد شیوه های جهان بینی آنها تا حدودی متفاوت با ارزش های رسمی جامعه می باشد لذا ضرورت تحقیق در زمینه را دو چندان کرده است.

به طور کلی می توان گفت با توجه به نظر بسیاری از اندیشمندان که اعتقاد دارند در جهان افسون زدایی مدرن، دیگر لزومی به حضور دین در عرصه های ذهنی و اجتماعی نیست و جایگزین های گوناگونی برای این نهاد وجود دارد، آیا جامعه ایران و قشر دانشجو هم عرفی شدن را تجربه کرده اند؟ چه رابطه ای بین فردگرایی دوران مدرن و عرفی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش های تجربی

تحقیقات انجام شده در زمینه عرفی شدن کم می باشد و اکثر پژوهش های صورت گرفته در این زمینه عرفی شدن را به طور کلی مورد بررسی قرار داده است و تقسیم بندی و ابعاد آن را لحاظ نکرده اند. ما در این پژوهش این تقسیم بندی عرفی شدن را پوشش دادیم.

شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن فردی به این نتایج دست یافتند که جهانی شدن فرهنگی رابطه مستقیم و مثبتی

با عرفی شدن مردم جهان دارد. یافته‌های دیگر مطالعه حاکی از آن بود که اثر جهانی شدن فرهنگی در کشورهای اسلامی، اثری غیر عرفی کننده و در کشورهای غیر اسلامی عرفی ساز از خود نشان می‌دهد. همچنین مشخص گردید که جهانی شدن فرهنگی در کشورهای که از نظر قومی متنوع می‌باشند، به نسبت کشورهایی که از نظر قومی همگون هستند، اثر عرفی کننده بیشتری دارد.

پویافر و داوری مقدم (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان گرایش به سبک زندگی مدرن و عرفی شدن به این نتایج دست یافتند که بین گرایش به سبک زندگی مدرن در ابعاد گوناگون با گرایش های عرفی در افراد، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. چنین رابطه ای در، به ویژه در ابعاد عینی تر عرفی شدن، شدت بیشتری داشت.

رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه تمایل به ارزش های عرفی و نگرش به فرزند به این نتایج دست یافتند که دین در بین پاسخگویان به صورت خصوصی مورد پذیرش زیادی است، اما در عرصه عمومی کارکردهای خود را از دست داده است. همچنین نتایج نشان داد که بین عرفی شدن و نگرش به فرزند رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق با عنوان رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع گرایی، به این نتایج دست یافتند که بین سبک زندگی مدرن با فردگرایی رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد، همچنین جهان شدن فرهنگی نقش مهمی در گسترش فردگرایی و مولفه های دوران مدرن ایفا می کند.

هاشمیان فر و هاشمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود به عنوان بررسی نموده های عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان به این نتایج دست یافتند که نتایج حاصل از آزمون چند متغیره نشان داد که متغیرهای مستقل ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین کرده اند که بر اساس اولویت عبارت اند از تغایر نقش ها، فردگرایی و تغییر ارزش ها.

نائبی و آزاد ارمکی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان رابطه میان فرآیند عرفی شدن با تحصیلات عالی، به این نتایج دست یافتند که عرفی شدن نه تنها نهادهای جامعه و حوزه فرهنگ؛ بلکه ذهنیت جامعه را نیز در بر می گیرد.

اندرسون^۱ (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان نقش دین در کشور ایرلند به این نتایج دست یافت که در هویت دینی و معنوی جوانان کاتولیک ایرلندی نوعی دگرگونی در جهان بینی آنها

به وجود آمد. همچنین نتایج نشان داد که جوانان ایرلندی خودمختاری در امر دینداری را بیشتر تمایل دارند امری که خلاف آموزه های مذهب کاتولیک می باشد.

ولف^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود با عنوان فرآیند عرفی شدن در کشور آلمان به این نتایج دست یافت که دینداری افراد و حضور آنها در کلیسا کم رنگ شده است. نتایج همچنین نشان داد دینداری فردی افراد، یعنی صرف نظر از مشارکت آنها در مناسک کلیسا نیز کاهش اساسی یافت. اکلاندر و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در تحقیق خود به بررسی تأثیر علم بر عرفی شدن پرداخته اند. آنها در تحقیق خود میزان دینداری دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی را با هم مقایسه کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد کاهش در میزان دینداری این دو گروه دانشمند با تغییرات در سبک های دینداری آنها همراه بوده است.

آکانانو و همکاران^۳ (۲۰۰۴) در تحقیق خود با عنوان جوانان و دین به این نتایج دست یافتند که بین نژاد و جنسیت با رفتار دینی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که دین هنوز برای جوانان اهمیت زیادی دارد و بسیاری از آنها اعمال مذهبی را رعایت می کنند لذا مدعیات نظریه عرفی شدن را رد کرد.

کولر و همکاران^۴ (۲۰۰۴) در تحقیق خود با عنوان رابطه فردگرایی و جمع گرایی با نظام ارزشی فرد و مذهبی بودن در سه کشور ترکیه، آمریکا و فلیپین به این نتایج دست یافتند که دیندار بودن پاسخگویان، به عنوان یک عامل اجتماعی- فرهنگی معنادار، که در پیش بینی تفاوت های فردی در رفتار و همچنین در شخصیت موثر است، شناخته شد. همچنین آنها دریافتند که بین دیندار بودن پاسخگویان و جمع گرایی بودن رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

اکثر تحقیقات داخلی و خارجی بر این امر تأکید دارند که دگرگونی های زیادی در ارزش ها سنتی و معنوی افراد به وجود آمد. این تغییرات باعث شده که زیست جهان های افراد در مسأله معنویت و دینداری تغییر اساسی کند به صورتی که دیگر دین سنتی با گزاره های خاص خود نمی تواند به مسائل و نیازهای نسل جدید پاسخ دهد، که این عدم پاسخ منجر به نوعی بازاندیشی در دینداری شده است. همچنین تحقیقات انجام شده نشان داد که بسیاری از کشورها با شدت و ضعف برخی از مولفه های عرفی شدن را تجربه می کنند.

1- Wolf

2- Ecklund et all

3- A cnaan et all

4- Cukur et all

۲-۲- مبانی نظری تحقیق

فردگرایی یکی از مولفه‌های کلیدی شخصیت انسان دوران مدرن می‌باشد. ریسمن شخصیت اجتماعی انسان‌های دوران پیشاصنعتی را شخصیتی سنتی و شخصیت اجتماعی انسان‌های دوره صنعتی و مدرن را شخصیتی خودمختار نامید که طبق آن هر فرد مستقل از دیگران عمل می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

یکی از اندیشمندانی که به توصیف فردگرایی در دنیای مدرن پرداخته توکویل بوده است. وی به توصیف ماهیت روابط اجتماعی در جوامع دموکراتیک پرداخت و اصطلاح فردگرایی را برای این روابط بکار برد. توکویل فردگرایی را در عصر دموکراتیک امری اجتناب‌ناپذیر دانست و اعتقاد داشت اگر فردگرایی به خودخواهی تبدیل شود پیامدهای وخیمی به همراه خواهد داشت در نتیجه وی بین فردگرایی و خودخواهی تفاوت قائل شد. توکویل اعتقاد داشت در خودخواهی فرد علاقه‌ای وافر به تعریف از خود دارد در نتیجه این خودخواهی باعث می‌شود که افراد به همه چیز با در نظر داشتن خودش فکر کند و منافع خود را بر همه منافع‌های دیگر ارجحتر بدانند. همچنین وی فردگرایی را احساسی ملایمی می‌دانست که افراد را به جداکردن خود از توده همگنانش و کناره‌گیری از دایره خانواده و دوستان متمایل می‌کند او با این جامعه کوچکی که مطابق میل و سلیقه‌اش تشکیل شده است شادمانه جامعه بزرگتر را ترک می‌گوید و آن را به حال خود رها می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

وبر نیز اعتقاد داشت که از دوران قرون وسطی به بعد شهر مرکز رشد و گسترش فردگرایی شد. وی معتقد بود فردگرایی با تخصصی‌شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع از نظر وبر فردگرایی از مولفه‌های کلیدی شهرنشینی می‌باشد. که در این نوع زندگی اجتماعی وقت شناسی، حساب‌گری و دقیق بودن از ملزومات زندگی افراد می‌باشد (کوزر، ۱۳۷۹). وبر عقلانی-شدن جهان را نتیجه توسعه‌یافتگی و صنعتی‌شدن جوامع عنوان کرد که این خود پیامدهایی مانند افزایش فردگرایی به همراه دارد (وبر، ۱۳۸۱: ۵). این افزایش فردگرایی به نظر وبر با دگرگونی در ارزش‌های سنتی فرد همراه بود یکی از این دگرگونی‌ها، تغییر در جهابینی دینی افراد بود.

وبر اعتقاد دارد در جهان غیر دینی تنها جایی که برای دین می‌ماند محدوده روابط بین شخصی است؛ والاترین و غایتترین ارزش‌ها از حوزه حیات عمومی به قلمرو زندگی عارفانه یا برادرانه روابط بین شخصی به عقب رانده شده‌اند. دین به عنوان عامل وحدت بخش اجتماعی که تمام جنبه‌های حیات انسانی را به یکدیگر مرتبط می‌ساخت از فعالیت باز ایستاده است (ترنر، ۱۳۸۷: ۲۶۸). و همچنین می‌گوید در جهان به غایت عقلانی که در آن از هر نوع قدسیت و

فرهمندی خالی است دین اگر جایی داشته باشد درون وجدان انسان ها و یا در عالم بالاست (همان، ۲۶۴).

دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی دو نوع همبستگی اجتماعی را مطرح می کند که آنها را همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی عنوان کرد. دورکیم اعتقاد دارد جوامع مکانیکی جوامعی هستند که تقسیم کار در آنها بسیار پایین بوده است. تونیس نیز در جوامع گمینشافت به این سادگی اشاره کرد. ولی نظم جوامع جدید بر مبنای همبستگی ارگانیکی می باشد. تقسیم کار پیچیده ای در این جوامع وجود دارد که وابستگی افراد و نهادها را به یکدیگر بیشتر می کند. دورکیم اعتقاد دارد این نوع جوامع بخاطر کارکردها و تقسیم کار پیچیده تفاوت های فردی را آشکار می کند که به فردگرایی در جامعه منجر می گردد (دورکیم، ۱۳۸۷). وی در کتاب خود بر فردگرایی اخلاقی اعتقاد دارد و بیان می کند که این فردگرایی بر پایه احساس همدردی، و آرزوی برابری و عدالت بنیاد شده است، فرد در پیوند با نظام اجتماعی، در قبال افراد دیگر جامعه و اخلاق مدنی مسول است. همچنین وی در بحث انواع خودکشی به بحران ها و خطراتی که فردگرایی افسارگسیخته انسان مدرن با آن مواجه می شود، پرداخته است (وئوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). دورکیم به خصوص در بحث خودکشی خودخواهانه، فردگرایی جوامع مدرن را بررسی می کند چون علت خودکشی خودخواهانه فردگرایی می باشد لذا در این نوع خودکشی ارزش های جمعی برای فرد معنی خود را از دست می دهند و فرد چنان تنها می شود که ارزش های و وابستگی های جمعی دیگری ندارد در نتیجه برای فرار از این وضعیت به خودکشی پناه می برد.

زیمل اعتقاد داشت مولفه اصلی وضعیت مدرنیته آزادی فردی می باشد (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۸۶). وی اعتقاد داشت که در جوامع سنتی پیشین، حلقه های زندگی اجتماعی افراد بسیار محدود بود. این حلقه ها، از گروه های خویشاوندی تا شهر و دهکده ها، راه های گریز فرد را می بستند و او را به شدت در قبضه خودشان می گرفتند. کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود. اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد. یک فرد عضو بسیاری از حلقه ها است، اما هیچ یک از این حلقه ها تمام شخصیت او را در بر نمی گیرند و بر او نظارت تام ندارند. تعدد حلقه های متفاوتی که افراد در آن عضویت دارند، یکی از نشانگان تحول فرهنگی است (کوزر، ۱۳۶۸: ۲۶۳) که نوعی احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می سازد. به عقیده زیمل در کلان شهرهای مدرن فرد از نظر فیزیکی به دیگران نزدیک است ولی از نظر روان شناختی از آنها مستقل و جداست، که نتیجه این امر آزادی وسیع همراه با احساس پوچی است.

زیمل معتقد است که ژرفترین مسائل زندگی مدرن از تلاش فرد برای حفظ استقلال و فردیت در مقابل قدرت‌های حاکم جامعه و در مقابل سنگینی میراث تاریخی و فرهنگ بیرونی و تکنیک زندگی ناشی می‌شود. به نظر وی اگر چه در دنیای مدرن به آزادی فرد از اسارت منجر شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که افراد برای حفظ آزادی در سبک زندگی خود، به پدیده‌های چون مد و.. پناه می‌برند. تا به واسطه آن به آرامش درونی و روانی رسیده، هویت خود را بازیابند. به عبارت دیگر در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد. از نظر زیمل، پول با جدا کردن درگیری‌های عاطفی از معاملات اقتصادی، افزایش تعداد شرکای داد و ستد را امکان‌پذیر می‌سازد؛ آزادی فرد را با گسستن پیوندهای فراگیر نسبت به گروه نخستین (مثلاً خانواده یا قبیله) افزایش می‌دهد و بدین‌سان، جهان‌نگری فردگرایانه را ارتقا می‌بخشد. وی نیز همانند وبر از تهدیدی که فرهنگ مدرن، با تأکید بر عقلانیت ابزاری، متوجه استقلال فرد می‌کند، ابراز نگرانی می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۷).

یکی دیگر از اندیشمندانی که به موضوع فردگرایی و تأثیر آن در دنیای مدرن پرداخته است تریاندیس می‌باشد. به اعتقاد تریاندیس رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌کنند. فرهنگ شامل قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی، جمع‌گرایی و فردگرایی است (تریاندیس^۱، ۱۹۹۸). تریاندیس بخش اصلی فعالیت‌های پژوهشی خود را بر مطالعه فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا متمرکز ساخته است. وی با شناسایی ویژگی‌های این دو فرهنگ درصد ساختن مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گراست. از نگاه وی، ما جهان را کمتر آن گونه که هست و بیشتر آن گونه که هستیم، می‌بینیم (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۴۴). این امر نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری شخصی است. در واقع، فرهنگ بر شکل‌گیری شخصیت افراد تأثیرگذار است (تریاندیس، ۲۰۰۱). در گرایش‌های فردگرایانه، تعریف از خود غیروابسته، و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت، افراد اختلالات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر و بر گرایش‌های فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند. فردگرایی به استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت اشاره دارد.

تریاندیس مفاهیم افقی و عمودی را به فردگرایی می‌افزاید. حالت افقی فردگرایی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و عمودی سلسله‌مراتب در روابط را نشان می‌دهد

(تریاندیس، ۱۹۹۵). بر این اساس، کسانی که در تقسیم‌بندی افقی جای دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عمودی ستند (مانند جامعه روستایی هندوستان)، به سلسله‌مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند. در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد منحصری‌فرد و متمایز از دیگران باشد، اما علاقه‌ای به برجسته‌شدن ندارد. فردگرایان افقی کار مستقل خود را انجام می‌دهند، اما لازم نمی‌دانند خود را با دیگران مقایسه کنند (جامعه سوئد). بر عکس، در فردگرایی عمودی تخصص پایگاهی مدنظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این نوع از فردگرایی به مقایسه با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند از دیگران متمایز، بهتر و برتر باشند، مانند ایالات متحد آمریکا (تریاندیس و همکاران، ۱۹۸۸؛ تریاندیس، ۲۰۰۱). تریاندیس بر عوامل چهارگانه به هم مرتبط که به عنوان جنبه‌هایی که معرف فردگرایی هستند، تأکید می‌کند که عبارتند از: خود اتکایی، رقابت، لذت‌گرایی و فاصله عاطفی از درون گروه (تریاندیس و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۰۳-۱۰۱). به طور کلی می‌توان گفت فردگرایی انسان مدرن باعث نوعی تغییر در جهان بینی و نگرش‌های افراد نسبت به خود و هستی شده که خود منجر به عرفی شدن جهان بینی‌ها شده است.

یکی از اندیشمندانی که به صورت مفصل بحث عرفی شدن جوامع را دنبال کرد، پیتر برگر بود. وی سکولاریزاسیون را فرآیندی می‌داند که نه تنها به عرفی شدن نهادهای اجتماعی و اقتصادی، بلکه به عرفی شدن نهاد دین نیز منجر می‌شود. تعریف برگر از عرفی شدن مشابه تعریف ویلسون از آن است؛ فرآیندی که طی آن بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از سلطه نمادها و نهاد دین خارج می‌شود (هاشمیان فر، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

برگر به عرفی شدن دین هم در سطح اجتماعی - ساختاری (عرفی شدن عینی) و هم در سطح ذهنی (عرفی شدن ذهنی) قائل است. به نظر او، در نتیجه این فرآیند نه تنها دین از حوزه اجتماع خارج می‌شود و نفوذ اجتماعی خود را در سایر نهادها، از جمله اقتصاد، دولت و آموزش از دست می‌دهد، بلکه حتی کاهش مقبولیت (موجه نمایی) تعاریف دینی از واقعیت در حوزه اجتماع به حوزه عرفی شدن ذهنی می‌انجامد. به بیان برگر عرفی شدن ذهنی به این معناست که هر روز شمار بیشتری از انسان‌ها به گونه‌ای پرورش می‌یابند که در جهان و زندگی روزمره بدون بهره‌گیری از تفسیرهای دینی گذر می‌کنند (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸).

از نظر برگر فرآیند عقلانی شدن که پیش شرط تمام جوامع مدرن صنعتی است - عامل عرفی شدن است. این فرآیند به فروپاشی موجه نمایی (اعتبار) تعاریف دینی از واقعیت منجر می‌شود. وی این معضل را بحران اعتبار می‌نامد (هاشمیان فر، ۱۳۹۲: ۱۵۹). در دوران سنت دین وظیفه و کارکرد توجیه‌پذیری برخی از سوالات بی‌پاسخ را داشت به طوری که پاسخ‌های آن تا حدودی

آرامش را در فرد ایجاد می‌کرد ولی دنیای مدرن و پست مدرن این کارکردها خاصیت خود را از دست دادند و دین دیگر به عنوان پدیده‌ای شخصی قلمداد می‌شود.

یافته‌های برگزیده نشان می‌دهد که تاثیر سکولاریزاسیون بر مردان بیشتر از زنان است و بر افراد سنین میان سالی بیشتر از افراد بسیار جوان و بسیار مسن، بر شهرنشینان بیشتر از روستائیان، بر طبقاتی که مستقیماً با تولید صنعتی مدرن سروکار دارند (به ویژه طبقه کارگر) بیشتر از مشاغل سنتی (مانند صنعتگران یا مغازه داران کوچک و بر پروتستان ها و یهودیان بیشتر از کاتولیک ها است (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸). وی تکثرگرایی مذهبی که ناشی از سکولاریزاسیون نهادی است و در اثر مدرنیزاسیون به وجود آمده را عامل مهمی در سکولارشدن افراد می‌داند. تکثرگرایی مذهبی انسان ها را از انحصارات مذهب رها ساخته و شرایط را به گونه‌ای فراهم نموده است که بر خلاف دوران قبل، در حال حاضر مذاهب باید به نوعی خود را در بازار اقتصادگونه در شرایطی رقابتی به افراد ارائه کنند که بتوانند موجب پذیرش قرار گیرند و این شرایطی است که عرفی شدن را سرعت بخشیده است (بهشتی و قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۵).

یکی دیگر از نظریه پردازانی که به مسأله عرفی شدن پرداخته برایان ویلسون است (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۳۹). او بر عوامل خارج از سنت مسیحی که حاکم بر فراگرد عرفی شدن هستند تأکید بیشتری می‌کند، در اینجا نیز رشد عقلانیت است که نقش اساسی بازی می‌کند، اما ویلسون نیز مانند بیشتر نویسندگانی که بر چنین عوامل خارجی تأکید می‌ورزند، برای رشد مستقل دانش و روش علمی اهمیت اساسی قائل می‌شود. استدلال ویلسون این است که رشد علمی اعتبار تفسیرهای علمی درباره جهان را تضعیف کرده است و بشارت هزاره‌ای دین و قابلیت مشروع سازی و توجیه نظم اجتماعی آن، تضعیف شده است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰). ویلسون عرفی شدن را با زوال اجتناب ناپذیر دین یکی نمی‌داند، همین طور عقیده ندارد که عرفی شدن جامعه به این معنا است که همه انسان‌های آن جامعه، یک وجدان و آگاهی عرفی شده را انتخاب کرده اند، یا اینکه آنها دیگر هیچ گونه‌ای علاقه‌ای به دین ندارند. برای وی عرفی شدن اساساً حاصل جریان عقلانی ساختن تشکیلات مدرن و نیز استقلال و خودرأیی فزاینده نهادها، موسسه ها و آداب و اعمال اجتماعی از امر دین می‌باشد، استقلالی که به انسان اجازه می‌دهد بتواند از طریق اعمال و پروژه‌های خویش، شرایط زندگی خود و جامعه را تغییر دهد. به نظر او، از شاخص های مهم عرفی شدن، لغت شدید ارزشی است که یک جامعه برای امور ماورالطبیعه قائل است (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۰). ویلسون در فرق گذاشتن بین اهمیت اجتماعی دین و خود دین، دقیق است. ما نباید این امکان را نادیده بگیریم که دین ممکن است اهمیت تاجتماعی خود را از دست بدهد در حالی که به عنوان موضوعی دارای اهمیت زیادی برای دینداران باقی بماند (بروس،

۱۳۸۷: ۵۷). به عبارت دیگر این امکان وجود دارد که کشوری که به طور رسمی و علنی سکولار است، در میان جمعیتش، عده ی کثیری زندگی کنند که عمیقاً دیندار هستند. به نظر او، اگر عرفی شدن را به اجمال تعریف کنیم، می توانیم بگوییم: فرآیندی است که طی آن وجدان دینی، فعالیت های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می شود (زبانی، ۱۳۷۹).

اینگلهارت یکی دیگر از نظریه پردازانی است که به بحث عرفی شدن پرداخته است. وی علل اصلی عرفی شدن را امنیت حیاتی می داند و در این بار می گوید: سنگ بنای نظریه ما این است که ملل ثروتمند و فقر جهان از جهت سطح توسعه انسانی پایدار و نابرابری اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه از جهت شرایط اصلی زندگی، امنیت انسانی و آسیب پذیری در برابر خطرات با هم تفاوت دارند (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۳). وی فقدان امنیت انسانی را برای کسانی که به دین باور دارند بسیار اساسی دانست و دو معیار توسعه اقتصادی و برابری اقتصادی را جز شرط های لازم برای امنیت انسانی قلمداد کرد. وی بیان داشت که وقتی جوامع از اقتصادی کشاورزی به جوامع صنعتی میانه توسعه می یابند، و سپس به جوامع پسا صنعتی مرفه تبدیل می شوند یک سری مسیرهای مشترکی ایجاد می شود که شرایط به وجود آمدن امنیت انسانی را ایجاد می کنند. وی تأکید می کند فرایند صنعتی شدن و توسعه انسانی به کشورهای در حال توسعه کمک می کند که از فقر شدید خارج شوند و در نتیجه مخاطرات روزمره بقای را که با آن درگیرند، کاهش می دهد (همان، ۳۵).

اینگلهارت و ولزل برای بررسی تغییر اجتماعی به بررسی دو بعد از تنوع بین فرهنگی می پردازد. این دو جنبه ارزش های بقا/ ابراز وجود و ارزش های سنتی / عرفی عقلانی است که به نظر آنها قادر به توضیح تفاوت ارزش ها و هنجارهای ۸۵ درصد از جمعیت جهان است (اینگلهارت و ولزل^۱، ۲۰۰۵: ۶).

ارزش های سنتی شامل تأکید بر اهمیت خدواند در زندگی، لزوم آموزش اطاعت و مذهب به کودکان، مخالفت با سقط جنین، احساس قوی در مورد افتخار ملی، محترم شمردن توسعه اقتصادی - اجتماعی و تشویق تولید مثل و طرد هر نوع رفتار جنسی دیگر است. این ارزش ها زمینه انتقال از جامعه صنعتی به پسا صنعتی را فراهم می کنند. در مقابل جوامعی که ارزش های عرفی - عقلانی دارند، خواسته هایشان در همه موضوعات مغایر جوامع سنتی است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵: ۲۸).

اینگلهارت اعتقاد دارد که فرآیند عرفی شدن، یک سری تغییرات فرهنگی سازمان یافته را به وجود می‌آورد که جهت آن قابل پیش بین است. در این تغییرات فرهنگی، از اهمیت دینی در زندگی مردم کاسته می‌شود و پابندی مردم به هنجارهای فرهنگی سنتی سست می‌شود و مردم نسبت به طلاق و سقط جنین شکیباتر می‌شوند. فرآیندهای بلندمدت توسعه، ارزش‌های فرهنگی اصلی را دگرگون می‌کنند و مردم را به سوی لیبرالیسم اخلاقی در باب مسائل جنسی و پیگیری فرصت‌های اغنای خود (خودشکوفایی) خارج از محل کار و عرصه اقتصادی می‌کشاند (اینگلهارت و نویس، ۱۳۸۷: ۳۱۸). علاوه بر این ارزش‌ها و اعتقادات به شدت بر مشارکت دینی، نظیر حضور مردم در مراسم عبادی و فراوانی برگزاری نماز یا مراقبه تأثیر می‌گذارند. به نظر می‌رسد ارزش‌های دینی در غالب کشورها تأثیر زیادی بر مشارکت دینی می‌گذارند (همان، ۳۲۰).

۲-۳- چارچوب نظری

جامعه‌شناسان اولیه در نظریه‌های خود به دنبال بررسی و ارتباط بین فردگرایی و کاهش سطح دینداری و در نتیجه افزایش سطح عرفی شدن جوامع بودند. دورکیم بر این نظر بود که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بر مبنای نفع شخصی پایدار بماند لذا وی به نقد فردگرایی خودخواهانه پرداخت و همواره بر جنبه‌های اخلاقی جامعه و کارکرد اساسی همبستگی اجتماعی که دین می‌تواند این کارکرد را ایفا کند، تأکید داشت علاوه بر این بر طبق نظریه دورکیم هر چه میزان دینداری افراد بیشتر باشد، فردگرایی خودخواهانه آنها کمتر می‌شود.

فردگرایی به عنوان متغیری کلیدی در جامعه‌مدرن می‌تواند در آگاهی و به تبع آن در تمام حوزه‌های زیست جهان انسان وارد شود و اثرات مثبت یا منفی داشته باشد. به دلیل اینکه هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار دارد رابطه وی با دین نیز دستخوش تغییرات اساسی می‌گردد. یعنی با ورود فردگرایی به عنوان یکی از عناصر عناصر هویتی انسان مدرن، دین نیز به موضوعی انتخابی و بازاندیشانه مبدل می‌شود.

فردگرایی با زیر سوال بردن اساس عقاید و عملکرد اجتماعی دین زمینه را برای بسط عرفی شدن هموار می‌کند. رشد فردگرایی به عنوان یکی از شاخص‌های مدرنیته از عوامل موثر بر فرآیند عرفی شدن محسوب می‌گردد، زیرا درصد زیادی از افراد جامعه در اثر رشد فردگرایی تمایل یافتند که از کلیسا مستقل شوند و خود به صورت فردی دین خویش را تبیین نمایند (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

برگر سرمایه داری و اقتصاد مدرن را علت اصلی عرفی شدن معرفی می‌کند و اعتقاد دارد جوامع مدرن بر حسب دوری یا نزدیکی به این پدیده به طور متفاوتی عرفی شدن را تجربه می‌

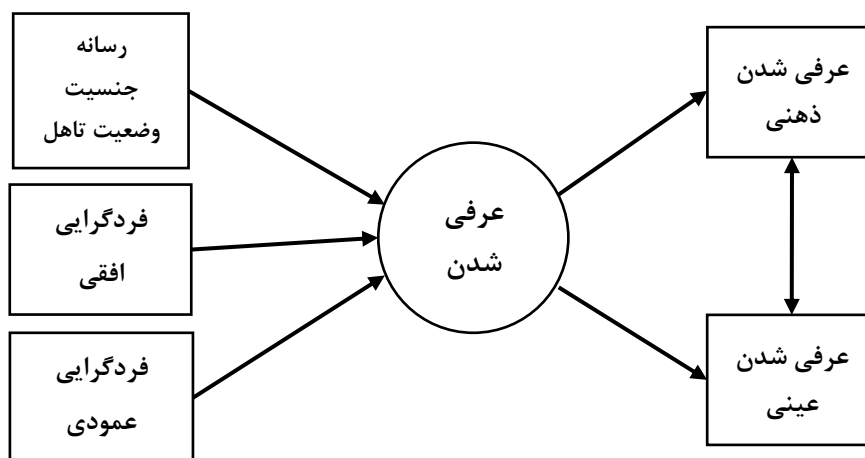
کنند. وی در نظریه خود به رابطه بین تکثر زیست جهان اجتماعی افراد، خصوصی شدن دین، فردگرایی و دینداری می پردازد. به نظر او با متکثر شدن زیست جهان های اجتماعی افراد علاوه بر اینکه هویت افراد دستخوش تغییر می شود، بر دین و جهت گیری دینی افراد نیز تأثیر بسزایی می گذارد. وی دین را عملی انسانی می داند که عالمی مقدس را برای بشریت بنیان نهاد و این دین در ایجاد چتری فراگیر از نمادها برای یکپارچگی جامعه، نقش مهمی دارد. دین از طریق معانی، ارزش ها و باورهای گوناگون در جامعه نهایتاً تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می داد، یکپارچه می سازند. با چندگانه شدن زیست جهان های اجتماعی افراد، بی یقینی عمومی، که حاصل زندگی روزمره فرد است این وظیفه دین مورد تردید قرار گرفت و فردگرایی در این بین به علت توجه به ارزش های فردی و همچنین نگاه انتقادی به گزاره های دینی، عرفی شدن جوامع را بیشتر می کند.

برگر در نظریه خود اعتقاد دارد که مهمترین ویژگی نهادهای خصوصی این است که در آن فرد به نوعی آزادی عمل در قلمرو زندگی خویش و ساختن جهان زندگی برخوردار می شود. در این صورت تعاریف دینی در نبود تأیید دائمی و عمومی خصلت قطعی خود را از دست می دهند و در عوض به موضوع های انتخابی بدل می شوند. به همان گونه که تعارف فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی دائم قرار می گیرد رابطه اش با دین، نیز دستخوش تغییر می شود. به عبارت دیگر باور دینی حکم تجربه جمعی را از دست داده و صورت فردی به خود می گیرد (برگر، ۱۳۷۸).

۲-۴- فرضیات تحقیق

- بین جنسیت دانشجویان و عرفی شدن ساختاری و ذهنی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- بین وضعیت تاهل دانشجویان و عرفی شدن ساختاری و ذهنی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- بین رشته تحصیلی دانشجویان و عرفی شدن ساختاری و ذهنی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و عرفی شدن ساختاری و ذهنی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین ابعاد فردگرایی (عمودی و افقی) و عرفی شدن ساختاری و ذهنی رابطه معنی داری وجود دارد.

۲-۵- مدل تحقیق



۳- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی است تا توصیف و تبیین داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص ارتباط بین فردگرایی و عرفی شدن بر مبنای آن انجام پذیرد. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) دانشگاه یزد، که طبق آمار دانشگاه در سال ۱۳۹۸ تعداد آنها برابر با دانشجوی دختر و پسر بودند. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه آماری این تحقیق، ۳۸۰ دانشجوی بدست آمد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای می‌باشد. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه، ابتدا ۳۰ پرسشنامه را بین نمونه‌های آماری (دانشجویان تحصیلات تکمیلی) توزیع کرده، با آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه سنجیده شد. همچنین در پژوهش فوق برای بررسی اعتبار تحقیق، از روش اعتبار صوری استفاده گردید. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص می‌باشد. لذا برای اینکار با مراجعه به اساتید راهنما و حذف برخی از گویه‌ها، اعتبار مقیاس را افزایش دادیم.

نتایج جدول شماره ۱ به بررسی آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق می‌پردازد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ بین همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۰۷ می‌باشد که نشان دهنده همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق است.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرها و تعداد گویه‌های هر متغیر

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
عرفی شدن ذهنی	۸	۰/۹۰
عرفی شدن عینی	۸	۰/۹۱
فردگرایی عمودی	۴	۰/۷۴
فردگرایی افقی	۴	۰/۷۸

۳-۱- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

عرفی شدن: می‌توان در تعریف عرفی شدن بیان کرد که فرایندی می‌باشد که طی آن اهمیت دین نزد افراد در حوزه‌های اجتماعی و ذهنی کاهش پیدا می‌کند و برداشت‌های افراد از جهان و دین صرفاً دنیوی می‌شود به طوری که نوعی تقدس زدایی به وجود بیاید. برگر به عنوان یکی از نظریه پردازان مهم عرفی شدن بر این باور است که عرفی شدن در دو سطح اجتماعی (عینی) و فردی (ذهنی) اتفاق می‌افتد ما نیز در این تحقیق عرفی شدن را به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم کرده ایم که در بعد عینی دین و گزاره‌های دینی در حیطه اجتماعی و سیاسی نمی‌توانند دخالت کنند و در بعد ذهنی گویه‌های درباره ذهنیت و نگرش‌های ایمانی فرد نسبت به وجود خدا و مناسک دینی طرح ریزی شد. برای هر کدام از ابعاد عرفی شدن (ذهنی و عینی) ۸ سوال در قالب طیف لیکرت طرح ریزی شد. لازم به ذکر است پرسشنامه این محقق ساخته بود.

فردگرایی: فردگرایی در این تحقیق به عنوان یکی از عناصر کلیدی دوران مدرن در نظر گرفته می‌شود که در آن توجه فرد خود و منافع خود را مبنا و معیار ارتباط می‌داند و کمتر به دنبال جمع‌گرایی جهان سنت می‌باشد. در این تحقیق طبق نظر تریانندیس فردگرایی دوران مدرن را به دو بعد فردگرایی افقی و فردگرایی عمودی تقسیم کردیم که در فردگرایی عمودی طرف توجه به منافع فردی به جای منافع جمعی، خوداتکایی، فاصله عاطفی با دیگران مهم و مد نظر است و در فردگرایی افقی احساس استقلال، خودباوری به خود و عزت نفس را شامل می‌شود. برای هر کدام از این ابعاد ۵ گویه محقق ساخته در قالب طیف لیکرت طرح ریزی شد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۸۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی، ۶۱/۵ درصد را مردان و ۳۸/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. و ۸۷/۶ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲/۴ درصد در مقطع دکتری در حال تحصیل بودند. ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان در رشته علوم انسانی، ۱۷/۹ درصد از آنها در رشته علوم پایه و ۳۱/۶ درصد نیز در رشته فنی و مهندسی بودند. در زمینه مذهب ۹۳/۴ درصد از پاسخگویان شیعه مذهب و ۶/۶ درصد از آنها نیز سنی مذهب بودند. همچنین ۷۱/۸ درصد از دانشجویان مجرد و ۲۸/۲ درصد از آنها نیز متأهل بودند. در زمینه درآمد خانواده پاسخگویان ۳۴/۲ درصد از آنها ماهیانه زیر پانصد هزار درآمد داشته‌اند، ۲۵/۵ درصد بین پانصد تا یک میلیون، ۱۹/۷ درصد بین یک میلیون تا یک و پانصد، ۷/۶ درصد بین یک پانصد تا دو میلیون و ۱۲/۹ درصد نیز بالاتر از دو میلیون درآمد داشته‌اند.

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ۴۱/۳ درصد از دانشجویان میانگین عرفی شدن ذهنی در بین آنها پایین بوده است، ۴۴/۵ درصد در حد متوسط و ۱۳/۸ درصد نیز میانگین عرفی شدن ذهنی در بین آنها بالا بوده است. در زمینه عرفی شدن ساختاری از دید دانشجویان باید بیان داشت که ۲۶/۵ درصد از آنها میانگین عرفی شدن ساختاری در بین آنها کم بود. ۴۶/۷ درصد نیز میانگین عرفی شدن ساختاری در بین آنها متوسط و ۲۶/۸ درصد نیز میانگین عرفی شدن ساختاری در بین آنها بالا بوده است.

جدول ۲: تحلیل توصیفی عرفی شدن دانشجویان

درصد فراوانی	فراوانی		
۴۱/۳	۱۵۷	پایین	عرفی شدن ذهنی
۴۴/۵	۱۶۹	متوسط	
۱۳/۸	۵۴	بالا	
۲۶/۵	۱۰۱	پایین	عرفی شدن عینی
۴۶/۷	۱۷۷	متوسط	
۲۶/۸	۱۰۲	بالا	

نتایج جدول شماره ۳ به بررسی توصیفی فردگرایی در میان دانشجویان پرداخته است. نتایج نشان داد که از مجموع ۳۸۰ دانشجوی ۳۰/۲ درصد از آنها فردگرایی افقی کمی دارند، ۴۱/۱

درصد فردگرایی افقی متوسطی دارند و تنها ۲۸/۶ درصد از آنها فردگرایی افقی بالایی دارند. در زمینه فردگرایی عمودی نتایج نشان می‌دهد که ۳۰/۸ درصد از دانشجویان میزان فردگرایی عمودی در بین آنها کم و پایین بود، ۵۸/۴ درصد نیز فردگرایی عمودی پایین داشتند و تنها ۱۰/۸ درصد از آنها فردگرایی عمودی بالایی را گزارش دادند که این امر خود نشان می‌دهد که میزان فردگرایی عمودی در بین دانشجویان بالا نیست.

جدول ۳: تحلیل توصیفی فردگرایی دانشجویان

درصد فراوانی	فراوانی		
۳۰/۲	۱۱۵	پایین	فردگرایی افقی
۴۱/۱	۱۵۶	متوسط	
۲۸/۶	۱۰۹	بالا	
۳۰/۸	۱۱۷	پایین	فردگرایی عمودی
۵۸/۴	۲۲۲	متوسط	
۱۰/۸	۴۱	بالا	

۴-۲- یافته‌های استنباطی

در این قسمت پژوهش با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون تی، پیرسون و رگرسیون استفاده می‌شود و فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرند.

فرضیه اول: بین جنسیت و عرفی شدن (ساختاری و ذهنی) تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج جدول شماره ۴ به بررسی مقایسه میانگین بین عرفی شدن زنان و مردان می‌پردازد. یافته‌های این جدول نشان داد که مردان و زنان در میانگین عرفی شدن ذهنی و عینی تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند چون سطح معنی داری آنها بالاتر از (۰/۰۵) می‌باشد. همچنین میانگین شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد عینی و ذهنی بدست آمد بین مردان و زنان تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه دوم: بین وضعیت تأهل و عرفی شدن تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج جدول ۵ به بررسی رابطه بین وضعیت تأهل دانشجویان و میزان عرفی شدن آنها می‌پردازد. نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین عرفی شدن ذهنی افراد مجرد و متأهل تفاوت معنی داری وجود ندارد لذا این فرضیه رد می‌شود. همچنین میانگین عرفی شدن عینی افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل می‌باشد و این فرضیه تایید شد ($\text{sig} = 0/008$). همچنین میانگین

شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب بعد عینی و ذهنی به دست می‌آید نشان داد که افراد مجرد عرفی تر از افراد متاهل هستند ($\text{sig} = 0/041$). لذا این فرضیه نیز تایید شد.

جدول ۴: آزمون مقایسه میانگین برای بررسی جنسیت دانشجویان و عرفی شدن

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	DF	Sig
عرفی شدن ذهنی	مرد	۲۳۴	۲۰/۶۸	۷/۶۵	-۰/۷۹	۳۷۸	۰/۴۲۷
	زن	۱۴۶	۲۰/۲۷	۸/۱۷			
عرفی شدن عینی	مرد	۲۳۴	۲۴/۲۵	۸/۰۷	-۰/۷۱	۳۷۸	۰/۴۷۷
	زن	۱۴۶	۲۴/۸۷	۸/۰۴			
شاخص کلی عرفی شدن	مرد	۲۳۴	۴۴/۷۷	۱۳/۷۳	-۰/۰۶	۳۷۸	۰/۹۵۰
	زن	۱۴۶	۴۴/۸۷	۱۴/۸۴			

جدول ۵: آزمون مقایسه میانگین برای بررسی وضعیت تأهل دانشجویان و عرفی شدن

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	DF	Sig
عرفی شدن ذهنی	مجرد	۲۷۳	۲۰/۷۲	۷/۷۴	۱/۱۴	۳۷۸	۰/۲۲۵
	متاهل	۱۰۷	۱۹/۶۸	۸/۰۸			
عرفی شدن عینی	مجرد	۲۷۳	۲۵/۱۸	۸/۰۶	۲/۶۴	۳۷۸	۰/۰۰۸
	متاهل	۱۰۷	۲۲/۷۳	۷/۸۱			
شاخص کلی عرفی شدن	مجرد	۲۷۳	۴۵/۷۶	۱۳/۹۸	۲/۰۵	۳۷۸	۰/۰۴۱
	متاهل	۱۰۷	۴۲/۳۸	۱۴/۲۷			

فرضیه سوم: بین رشته تحصیلی و عرفی شدن (ذهنی و عینی) تفاوت معنی داری وجود دارد. جدول شماره ۶ به بررسی تفاوت بین رشته های تحصیلی و عرفی شدن در بین دانشجویان می پردازد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین عرفی شدن ذهنی دانشجویان رشته علوم پایه به نسبت سایر رشته ها بالاتر است چون سطح معناداری این متغیر برابر با ۰/۰۳ می باشد لذا این فرضیه تأیید می شود. همچنین نتایج نشان داد که میانگین عرفی شدن عینی دانشجویان رشته علوم پایه بیشتر از رشته های علوم انسانی و فنی مهندسی می باشد، لذا این فرضیه نیز در سطح معنی داری ۰/۰۲ تأیید می شود. شاخص کلی عرفی شدن نیز نشان می‌دهد که میزان عرفی شدن دانشجویان علوم پایه از سایر دانشجویان بیشتر می باشد.

جدول ۶: آزمون مقایسه میانگین برای بررسی رشته تحصیلی دانشجویان و عرفی شدن

Sig	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها	متغیر
۰/۰۳	۳/۴۶	۸/۱۱	۱۹/۴۲	۱۸۹	انسانی	عرفی شدن ذهنی
		۷/۳۳	۲۲/۰۸	۷۱	علوم پایه	
		۷/۵۲	۲۱/۱۰	۱۲۰	فنی مهندسی	
۰/۰۲	۳/۶۸	۸/۳۱	۲۳/۹۸	۱۸۹	انسانی	عرفی شدن عینی
		۷/۷۴	۲۶/۸۸	۷۱	علوم پایه	
		۷/۷۹	۲۳/۹۰	۱۲۰	فنی مهندسی	
۰/۰۲	۳/۷۶	۱۴/۹۲	۴۳/۳۱	۱۸۹	انسانی	شاخص کلی عرفی شدن
		۱۳/۱۰	۴۸/۸۴	۷۱	علوم پایه	
		۱۲/۹۸	۴۴/۸۳	۱۲۰	فنی مهندسی	

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که بین فردگرایی عمودی با عرفی شدن ذهنی و عینی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد ذهنی و عینی به دست می‌آید با فردگرایی عمودی رابطه مثبت را نشان می‌دهد یعنی هر چه فردگرایی عمودی در بین دانشجویان بیشتر شود میزان عرفی شدن آنها نیز بیشتر می‌شود این فرضیه در سطح معنی داری ۹۹ درصد و با ضریب پی‌رسون ۰/۳۵۲ معنی دار شد.

نتایج جدول همچنین نشان داد که بین فردگرایی افقی با عرفی شدن ذهنی رابطه معنی دار وجود ندارد. ولی بین فردگرایی افقی با عرفی شدن عینی رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد یعنی هر چه فردگرایی افقی افراد بیشتر شود عرفی شدن عینی در بین دانشجویان نیز بیشتر می‌شود. بین فردگرایی افقی و شاخص کلی عرفی شدن نیز رابطه ای وجود ندارد.

نتایج دیگر جدول حاکی از آن است که بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و عرفی شدن ذهنی و عینی رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد. یعنی هر چه دانشجویان از وسایل ارتباط جمعی بیشتر استفاده کنند هم عرفی شدن ذهنی و عینی آنها بیشتر می‌شود و هم اینکه شاخص کلی عرفی شدن در بین آنها بیشتر می‌شود مقدار پی‌رسون عرفی شدن و رسانه برابر با ۰/۲۰۹ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد فرضیه فوق تایید شد.

جدول ۷: ماتریس همبستگی مرتبه صفر^۱ بین ابعاد فردگرایی با ابعاد عرفی شدن

متغیرها	فردگرایی عمودی	فردگرایی افقی	استفاده از رسانه	عرفی شدن ذهنی	عرفی شدن عینی
فردگرایی افقی	۰/۰۳۶				
استفاده از رسانه	۰/۲۶۱**	-۰/۰۲۷			
عرفی شدن ذهنی	۰/۳۴۷**	-۰/۰۳۱	۰/۲۵۳**		
عرفی شدن عینی	۰/۲۰۳**	۰/۱۷۷**	۰/۱۲۵*	۰/۵۶۵**	
شاخص کلی عرفی شدن	۰/۳۵۲**	۰/۱۸۸	۰/۲۰۹**	۰/۸۸۱**	۰/۸۸۸**

** معناداری در سطح ۹۹ درصد * معناداری در سطح ۹۵ درصد

رگرسیون چند متغیره

برای تبیین بیشتر متغیرها از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در این روش به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل از روش گام‌به‌گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب اهمیت وارد مدل می‌شوند، با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که تاکنون وارد شده‌اند مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معناداری‌شان کم شد از مدل خارج می‌شوند و گرنه باقی می‌مانند (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

جدول ۸: جدول رگرسیون برای توضیح واریانس عرفی شدن

مرحله	متغیر	بتا	تی	سطح معناداری	R	R ²
۱	فردگرایی عمودی	۰/۳۵۲	۶/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴	۰/۱۴۶
۲	استفاده از رسانه	۰/۲۰۹	۲/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۳۵۴	۰/۱۶۱

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که از بین ابعاد متغیر فردگرایی، بعد فردگرایی عمودی توانست ۱۴ درصد از واریانس متغیر عرفی شدن را تبیین کند. مقدار بتای رگرسیون (۰/۳۵۲) نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد به سطح فردگرایی عمودی دانشجویان، به مقدار (۰/۳۵۲) درصد به عرفی شدن دانشجویان افزوده می‌شود. علاوه بر متغیر فردگرایی عمودی، متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز قادر به تبیین بخشی از واریانس متغیر عرفی شدن می‌باشد. با اضافه شدن این متغیر مقدار $R^2=0/16$ شد که نشان می‌دهد این متغیر بیش از ۲ درصد از تغییرات واریانس عرفی شدن را تبیین کرد. در مجموع این دو متغیر با هم بیش از ۱۶ درصد از واریانس عرفی شدن را تبیین کردند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ایران کشوری است که در آن دین و مولفه‌های دینداری سابقه طولانی در زندگی افراد و نهادهای اجتماعی داشته به صورتی که بسیاری از کنش‌های عقلانی و عاطفی کنش‌گران ایرانی وابسته به دین است. علاوه بر این ساختار سیاسی و تأکید این ساختار بر عناصر دینی، حضور دین در تمامی عرصه‌ها زندگی روزمره افراد را گوشزد می‌کند. همچنین، عرفی شدن در دو دهه اخیر نیز در جامعه ما توجه را به سمت و سوی خود هدایت کرد. عرفی شدن علاوه بر ساختار، ذهنیت افراد را نیز نشانه گرفته است و ما نیز در این تحقیق عرفی شدن را به دو بعد ساختاری (عینی)، فردی (ذهنی) تقسیم کردیم. یکی از عناصر دوران مدرن که بر عرفی شدن جوامع و افراد تأثیرگذار است فردگرایی می‌باشد، فردگرایی به عنوان عنصر اجتماعی مدرنیته باعث شده که فرد در جهان جدید نوعی تقدس زدایی از سنت و گزاره‌های سنتی را به وجود بیاورد و معیار هر پدیده را بر مبنای عقلانیت بسنجد که در این بین عرفی شدن به وجود خواهد آمد.

نتایج تحقیق نشان دادند که از مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه یزد تنها ۱۳/۸ درصد از آنها عرفی شدن ذهنی بالایی را باور دارند. این یافته توصیفی نشان می‌دهد که عرفی شدن ذهنی در بین دانشجویان گسترش زیادی پیدا نکرده یعنی اینکه دانشجویان در کنش‌های روزمره خود و همچنین در زمینه باورهای قلبی و ایمان به خدا هنوز دین و گزاره‌های دینی را باور دارند. همچنین نتایج نشان داد که از مجموع کل دانشجویان بیش از ۲۶ درصد از آنها عرفی شدن عینی و ساختاری بالایی را باور دارند و بیش از ۴۶ درصد از میانگین عرفی شدن عینی آنها متوسط بوده است. این یافته نشان می‌دهد که عرفی شدن عینی در بین دانشجویان بیشتر از عرفی شدن ذهنی رواج یافته است این یافته با نتایج تحقیق پویافر و داوری مقدم (۱۳۹۴) همسو است. یعنی دانشجویان اعتقاد دارند که دین و گزاره‌های دینی نباید در حیطه سیاست، قوانین و اجتماع دخالت کند که خود منجر به افزایش عرفی شدن عینی می‌شود. همچنین می‌توان گفت که دین در بین دانشجویان بیشتر به صورت امری خصوصی و فردی تلقی می‌شود. نتایج این یافته با نتایج تحقیق نائبی و آزاد ارمکی (۱۳۸۵) همسو است.

نتایج همچنین نشان داد که از مجموع کل دانشجویان تنها ۱۰/۸ درصد از آنها میانگین فردگرایی عمودی در بین آنها بالا بوده است. یعنی دانشجویان خودمحوری، جاه‌طلبی و منافع فردی را رد کردند و بر عکس آن ۲۸ درصد از دانشجویان فردگرایی افقی در بین آنها بالا بود که این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان فردگرایی افقی (خودباوری، استقلال، خوداتکایی و...) را بیشتر از فردگرایی عمودی باور دارند.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد که تفاوت معنی داری بین جنسیت دانشجویان و عرفی شدن (ذهنی و عینی) وجود ندارد. نتایج این یافته با نتایج تحقیق افشار کهن و همکاران (۱۳۹۰) و آکانانو و همکاران^۱ (۲۰۰۴) همسو نیست. می‌توان گفت که دیگر تفاوتی بین زیست جهان‌های زنان و مردان وجود ندارد و هر دو در یک فضای اجتماعی دست به کنش می‌زنند. در دهه‌های گذشته که ساختارهای مردسالارانه بیشتر در کشور حاکم بود، از زنان انتظار می‌رفت که هم پایبندی دینی بیشتر داشته باشند و هم اینکه سنت جامعه این گزاره را تأیید می‌کرد ولی در حال حاضر با توجه به فرصت‌های متفاوتی که برای زنان به دست آمد، به نظر می‌رسد گزاره‌های دینی دیگر نمی‌توانند هژمونی خود را بر زنان غالب کنند لذا تفاوتی بین سطح عرفی شدن زنان و مردان وجود ندارد. علاوه بر این باید ذکر شود که یکی دیگر از علت‌های تفاوت نتایج این یافته با نتایج دیگر تحقیقات به نمونه تحقیق بر می‌گردد چون نمونه این تحقیق دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند لذا تفاوت و جهان بینی این قشر با جهان بینی‌های افراد عادی جامعه کمی متفاوت است یعنی اینکه نگرش به یک پدیده در دانشجوی مقطع دکتری با یک دانشجوی مقطع لیسانس تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

یافته دیگر تحقیق نشان داد که میانگین عرفی شدن افراد مجرد از افراد متأهل بیشتر است. نتایج این یافته با نتایج تحقیق افشار کهن و همکاران (۱۳۹۰) همسو نیست. بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و عرفی شدن نیز رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. یعنی هر چه استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین دانشجویان بیشتر شود عرفی شدن (ذهنی و عینی) آنها نیز بیشتر می‌شود. برای تبیین این یافته باید بیان کرد که جهانی شدن از طریق وسایل ارتباط جمعی تمام فضای‌های عمومی و خصوصی افراد را مورد دستکاری قرار می‌دهد. این فرآیند از طریق تمایز یابی ساختاری، تعاملات افراد را گسترش می‌دهد و همین امر موجب می‌شود تا افراد با عرصه‌های تعاملی وسیعی روبه‌رو شوند که رسانه‌های ارتباط جمعی آنها را برای کنش‌های افراد به وجود آورد. افراد دیندار برای پاسخ دادن به این عرصه‌ها و زمینه‌های متکثر و متفاوت نیاز دارند که به صورت مکرر به اصول دینی خود مراجعه کنند ولی به نظر منابع دینی توان پاسخگویی به این حجم وسیع اطلاعات و آگاهی‌ها که وسایل ارتباط جمعی آن را گسترش می‌دهند، ندارد. لذا این امر باعث می‌شود که دین در زندگی روزمره و کنش‌های افراد کمرنگ شود و زمینه را برای عرفی شدن ساختاری و ذهنی در جامعه فراهم سازد. علاوه بر این باید ذکر کرد وسایل ارتباط جمعی در دنیای مدرن تقدس زدایی از همه پدیده‌ها را عملی کردند

به صورتی که گزاره های الهی و مقدس ادیان را جنبه زمینی به آنها می دهد که این امر خود در عرفی شدن نقش اساسی را ایفا می کند

یافته دیگر تحقیق نشان می دهد که فردگرایی عمودی با عرفی شدن ذهنی و ساختاری و هم با شاخص کلی عرفی شدن که از ترکیب دو بعد (ذهنی و عینی) بدست می آید رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چه فردگرایی عمودی افراد بیشتر شود، عرفی ذهنی و عینی آنها نیز بیشتر می شود. نتایج این یافته با نتایج تحقیق هاشمیان فر و هاشمی (۱۳۹۲) همسو می باشد. این یافته نشان می دهد اگر افراد خودمحورتر و به منافع صرفاً شخصی و فردی خود توجه کنند میانگین عرفی شدن در بین آنها نیز بیشتر می شود. فردگرایی طبق چارچوب نظری تحقیق به عنوان یکی از عناصر کلیدی دوران مدرنیته و پست مدرن می باشد در فردگرایی توجه به ارزش های فردی و شخصی در برابر ارزش های جمعی و اجتماعی قرار می گیرد به صورتی که فرد خود را از قید و بندهای الزام آور اجتماعی آزاد می کند و به دنبال خواست های خود جدا از خواست های جمعی و اجتماعی می گردد. از طرف دیگر طبق نظر بسیاری از اندیشمندان جامعه شناسی دینداری همبستگی اجتماعی افراد را افزایش می دهد به صورتی که این افزایش دینداری منجر به کاهش سطح عرفی شدن می شود چون در دینداری توجه به ارزش ها و منافع جمعی بر منافع فردی ارجحیت دارد و افراد نیازهای خود را بر مبنای نیازهای اجتماع و جمع می سنجند و انتخاب می کنند ولی با ظهور فردگرایی مدرن افراد در انتخاب های خود رهاتر شدند به صورتی که این انتخاب ها در بسیاری از موارد با گزاره های دینی که روح جمع گرایی را ترویج می دهد منافات دارند این امر خود منجر به افزایش عرفی شدن جوامع خواهد شد. همچنین طبق چارچوب نظری تحقیق فردگرایی این ظرفیت را دارد که عقاید و عملکرد اجتماعی دین را زیر سوال ببرد و همین امر زمینه را برای بسط عرفی شدن هموارتر سازد. همچنین طبق نظر ویلم افزایش فردگرایی از عوامل موثر بر فرآیند عرفی شدن محسوب می شود، زیرا درصد زیادی از افراد جامعه در اثر رشد فردگرایی تمایل دارند که از کلیسا مستقل شوند و خود به صورت فردی دین خویش را تبیین نمایند (ویلم، ۱۳۷۷: ۱۴۸). نتایج تحقیق همچنین نشان داد که رابطه ای بین فردگرایی افقی با عرفی شدن ذهنی و شاخص کلی عرفی شدن وجود ندارد. ولی بین فردگرایی افقی و عرفی شدن عینی رابطه مستقیم و معنی دار وجود داشت. یعنی هر چه دانشجویان از استقلال و خوداتکایی بیشتری برخوردار باشند، میزان عرفی شدن عینی آنها نیز بیشتر خواهد شد. بدین صورت دانشجویان که فردگرایی افقی بیشتری دارند ترجیح می دهد که دین و گزاره های دینی در حیطه اجتماع، سیاست و وو دخالت نکند.

به طور کلی به نظر می‌رسد عرفی شدن ابعاد و لایه‌های متفاوت و گوناگونی دارد که هر کدام از این لایه‌ها می‌تواند در کنش‌های روزمره افراد تاثیرگذار باشند در این بین فردگرایی می‌تواند روند فرایند عرفی شدن را افزایش دهد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- آزادارمکی، تقی و زارع، مریم (۱۳۸۴). *بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان*. تهران: معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کلمه.
- اعظم‌آزاده، منصوره و توکلی، عاطفه (۱۳۸۶). *فردگرایی و جمع‌گرایی و دینداری*. فصلنامه *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳ (۹)، ۱۰۱-۱۲۵.
- افشارکهن، جواد؛ بلالی، اسماعیل و لیمان پور، محمدعلی (۱۳۹۰). *عنوان وضعیت عرفی شدن دانشجویان و برخی عوامل موثر بر آن در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۱)، ۴۱-۱۵۸-۱۳۵.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- برگر، پیتر ال (۱۳۷۸). *افول سکولاریسم*. ترجمه افشار امیری. تهران: نشر پنگان.
- بهشتی، صمد و قاسمی، وحید (۱۳۹۲). *تبیین تجربی نظریه‌های عرفی شدن در ایران*. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰ (۱)، ۶۱-۹۱.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیان.
- پویان فر، محمدرضا و داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴). *بررسی رابطه میان سبک زندگی مدرن و عرفی شدن؛ مطالعه تجربی در ایران پس از انقلاب اسلامی*. *فصلنامه ژرفاه پژوه*، ۲ (۴)، ۲۹-۵۱.
- تریاندیس، هری (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی. تهران: نشر رسانش.
- ترنر، برایان (۱۳۸۷). *ویر و اسلام*. ترجمه مراد قاسمی. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا و مازیار، جعفری (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴(۳)، ۶۶-۴۳.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). *درباره تقسیم‌کار اجتماعی*. مترجم باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- رستگار خالد، امیر و مقدمی، ساجده (۱۳۹۷). بررسی رابطه تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۱): ۱۷۴-۱۵۳.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۰). *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۵). مسیره‌های محتمل عرفی شدن در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۷(۳)، ۶۵-۳۰.
- شجاعی زند، علیرضا؛ طالبان، محمدرضا و صنعتی شرقی، نادر (۱۳۸۹). بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن با تأکید بر نقش عوامل زمینه‌ای (مطالعه‌ای بین‌ملت‌ها). *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۶۰-۱۳۴.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۳). چالش‌های دانش و رسالت دانشگاه در دوره ما. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۳(۷)، ۵۵-۳۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر فردی، مجموعه مقالات نخستین همایش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۶). *بررسی سنجه‌های مرتبط با دین در ایران*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و پژوهش‌های کاربردی.
- کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دینداری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته) تهران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲(۶)، ۸۹-۶۷.
- کوزر، لوئیز (۱۳۷۹). *بزرگان جامعه‌شناسی کلاسیک*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیبینز، بوریمر (۱۳۸۴). *سیاست پست مدرنیته*. ترجمه منصور انصاری. تهران: انتشارات گام نو.

- محسنی‌تبریزی، علیرضا و مجتبی، صداقتی‌فرد (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان تهرانی. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۳)، ۱-۲۲.
- نایبی، هوشنگ و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۵). سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۷ (۳)، ۷۶-۹۳.
- وبر، ماکس (۱۳۸۱). شهر در گذر زمان. ترجمه شیوا کاویانی. تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- وثوقی، منصور و حسین، میرزایی (۱۳۸۷). فردگرایی تأملی در ابعاد و شاخص‌ها. *نامه علوم اجتماعی*، ۷ (۳۴)، ۱۱۷-۱۴۲.
- ویلسون، برایان (۱۳۷۴). *جدا/انگاری دین و دنیا*. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- هاشمیان فر، سید علی و هاشمی، مولود (۱۳۹۲). بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۱)، ۱-۱۷۶-۱۵۳.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: موسسه انتشاراتی تبیان.

- Berger, P. L. (1967). *The sacred canopy: the elements of a sociological theory of religion*. Garden City: Doubleday.
- Cnaan, R. A., Gelles, R. J., & Sinha, J. W. (2004). Youth and religion: The gameboy generation goes to "church". *Social Indicators Research*, 68(2), 175-200.
- Andersen, K. (2010). Irish secularization and religious identities: evidence of an emerging new Catholic habitus. *Social Compass*, 57(1), 15-39.
- Wolf, Ch. (2008). How secularized is Germany? Cohort and comparative perspectives. *Social Compass*, 55(2), 111-126.
- Ecklund, E. H., Park, J. Z., & Veliz, P. T. (2008). Secularization and religious change among elite scientists. *Social Forces*, 86(4), 1805-1839.
- Inglehart, R., Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.

- Riesman, D. (1956). *The lonely crowd, study of the changing American character*. Cambridge University Press.
- Sivadas, E., Bruvold, N. T., & Nelson, M. R. (2008). A reduced version of the horizontal and vertical individualism and collectivism scale: A four-country assessment. *Journal of Business Research*, 61(3), 201-210.
- Triandis, H. C. (1998). *Individualism and collectivism (theoretical and methodological approach)*. Sage publication.
- Triandis, H. C. (2001). Individualism-collectivism and personality. *Journal of Personality*, 69(6), 907-924.
- Triandis, H., McCusker, C., & Hui, C. (1990). Multimethod probes of individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(5), 1006-1020.
- Triandis, H. C., McCusker, C., & Hui, C. H. (1995). *Individualism and collectivism*. , Boulder, CO: Westview Press.